

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۳۱ مارچ ۲۰۱۵

بمباران هوایی یمن، نقض حقوق بین الملل و یک اقدام تجاوزکارانه است

چهارشنبه شب، ۲۵ مارچ برابر با ۵ فروردین [حمل]، عربستان سعودی با چراغ سبز امپریالیسم امریکا و حمایت دولتهائی چون اردن، کویت، بحرین، امارات متحده عربی، قطر... و به بهانه پیشگیری از پیشروی "تروریستهای شیعه" بمباران چند فرودگاه و پایگاههای نظامی و غیرنظامی شیعیان حوثی (شیعیان زیدیه) را در قالب عملیات "طوفان کوبنده" آغاز کرد. دولت اوپاما به صراحت از این تجاوز حمایت کرد و اعلام نمود امریکا تمام اطلاعات ماهواره ای و امکانات جاسوسی خویش را در جهت منافع عربستان سعودی به کار خواهد گرفت. آمار دقیقی از کشته شدگان و مجروحین در دست نیست و توسط خبرگزاری های انحصاری، دروغپرداز امپریالیستی منتشر نمی شود. اما خبرها حاکیست که بیشتر کشته شدگان افراد غیرنظامی هستند. بسیاری از اماکن عمومی ویران شده و هزاران نفر خانه و کاشانه شان را رها کرده و به روستاهای اطراف پناه برده اند. این عملیات تجاوزکارانه که آشکارا نقض حقوق ملل و منشور سازمان ملل متحد است مورد حمایت دولت ترکیه، مصر و پاکستان و به صورت شرمگینانه توسط اتحادیه اروپا نیز قرار گرفته است. گفته می شود دولت عربستان سعودی آماده است برای سرکوب قیام کنندگان، بیش از ۱۰۰ فروند هواپیما و ۱۵۰ هزار نفر نظامی به یمن اعزام دارد و در این عملیات تجاوزکارانه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز شرکت خواهند داشت. البته دولت عمان هنوز حمایت آشکاری از این عملیات به عمل نیاورده است و روشن نیست ادامه این عملیات و فرسایشی شدن این جنگ چه تضادهائی را در درون جبهه شورای همکاری موجب خواهد گشت. دولت عراق از هم اکنون مخالفت خود را با تجاوز نظامی به یمن در چارچوب جلسه شورای اتحادیه عرب اعلام داشته است. جایگاه دولت قانونی سوریه بشار اسد نیز در این تجمع خالی است، نمایندگان خلق یمن نیز در جلسه حضور ندارند و فقط عامل دست نشانده فراری عربستان سعودی که خودش را رئیس جمهور یمن می خواند، کرسی نماینده مردم یمن را اشغال کرده است و جالب این است عربستان موفق نشده که این بار عمال خود فروخته اپوزیسیون سوریه و همدستان داعش را به عنوان نمایندگان مردم سوریه به صورت نمایشی و تجملی به این شورای اتحادیه عربی اضافه کند تا به بازیگری مشغول شوند.

پرسش اصلی این است که دلایل بمباران یمن چیست و کدام اهداف سیاسی اقتصادی معینی را دنبال می کند و تأثیرات منطقه ای و بین المللی آن کدام است؟

- یکم اینکه کشور یمن مرزهای مشترکی با عربستان سعودی در شمال و در شرق کشور با عمان دارد. دولت یمن، باب المندب را کنترل می کند و این آبراه و تنگه های مورد استفاده بین المللی برای نقل و انتقال انرژی به ویژه نفت و

گاز و کالا از خاورمیانه و خاور دور به کشورهای اروپائی بسیار مهم است. آبراه باب المندب یکی از تنگه های مهم بین المللی است که به دریای سرخ و کانال سوئز راه دارد. از این رو کنترل چنین آبراه ستراتیژیکی برای امپریالیسم امریکا بسیار حائز اهمیت است. استقرار چندین پایگاه نظامی امریکا در آنسوی تنگه که به شاخ افریقا (کشور جیبوتی) متصل است نیز بر اهمیت ستراتیژیک این تنگه می افزاید.

- **دوم اینکه** امپریالیسم امریکا سالهاست که با دخالت نظامی در یمن، با بمباران مناطق فقیر نشین شهر و روستا و کشتار صدها زن و کودک بیگناه توسط هواپیماهای بی سرنشین نه تنها نتوانسته اوضاع را تحت کنترل خویش گیرد، بلکه موجب نفرت روز افزون مردم نسبت به سیاستهای تجاوزکارانه خود و عربستان گشته است. امریکا برای حفظ منافع بلند مدت خود در عربستان و صادرات انرژی و امنیت کمپانیهای نفتی، برای تأمین پشتوانه دالر هر آنچه که در توان داشته است به کار گرفته است. لیکن علی رغم تمام این تلاشها، سیاست وی با موفقیت همراه نبوده و یمن همچنان در ناامنی و جنگهای فرقه ئی و بی ثباتی به سر می برد. سازمان القاعده و دولت اسلامی داعش که توسط امریکا در سوریه و عراق و لبنان فرقه شده اند، در یمن نیز مدعی کسب قدرتند و در مقابل جنبش مقاومت حوثی که **پسپاری از سنی ها نیز در آن متشکلند و از نفوذ قابل توجه اجتماعی در جامعه برخوردارند**، قد علم کرده و جولان می دهند. داعش بارها اعلام کرده است که عمده ترین دشمنش جنبش حوثی است و باید نابود گردد و از این منظر با امریکا و عربستان منافع مشترکی را دنبال می کند. انفجار اخیر در یکی از مساجد شهر صنعا که بیش از ۱۴۰ قربانی گرفت از جمله اقدامات جنایتکارانه نیروهای داعش و القاعده در یمن است. این تجربه مجدداً نشان می دهد که امپریالیستها و ارتجاع منطقه تنها با نوع معینی از اسلام مخالفند و در عین این که در ممالک خودشان به اسلام ستیزی دست می زنند در عراق و سوریه و یمن با داعش و القاعده همدست می شوند.

سوم اینکه از ۲۳ میلیون جمعیت یمن نزدیک به چهل درصد شیعه هستند که سالیان طولانی مورد تبعیض حکومت مرکزی سنی مسلک بوده که تحت حمایت عربستان سعودی قرار داشته است. عربستان سعودی یمن را همواره حیاط خلوت خود دانسته و وقیحانه در امور داخلی این کشور دخالت کرده است. عربستان سعودی کمسیون ویژه ای در عربستان برای دخالت دائمی در امور داخلی یمن ایجاد کرده بود و تمام رژیمهایی که در چند دهه اخیر بعد از تلاشی جمهوری دموکراتیک یمن، در این کشور بر سر کار آمدند با حمایت و اشاره و دخالت عربستان سعودی بوده است. عربستان سعودی با بمباران هوایی به پایگاههای چریکی حوثی ها در سال ۲۰۰۹ که با هدف به قتل رساندن رهبر این جنبش صورت گرفت، نه تنها موجب تضعیف جنبش حوثی نگردید، بلکه مقاومت این نیرو را در مقابل امریکا و عربستان دو چندان کرد و همین امر باعث محبوبیت و رشد اجتماعی آنها گردید. دولت عربستان با اجیر کردن افراد فاقد ایمان و عرق ملی و هزینه کردن میلیونها دالر در بین قبایل سنی در یمن و ایجاد پایگاههای آموزشی نظامی و تسلیح آنها علیه حوثی ها در جنوب شرقی کشور، هر چه بیشتر به شکاف و چند دستگی و هرج و مرج در کشور دامن زده و مسبب اصلی این نابسامانی در کشور است. در یک کلام عربستان سعودی دست دراز شده امپریالیسم امریکا در منطقه است و به نام عرب، مردم عرب را کشتار می کند.

- **چهارم اینکه** جنبش حوثی و قیام مسلمانان شیعه که در واقع دربرگیرنده بسیاری از سنی ها هم می باشد، آفریده رژیم جمهوری اسلامی نیست، همانطور که جنبش اعتراضی مردم بحرین- متأثر از بهار عربی- نیز آفریده رژیم جمهوری اسلامی نبوده است. امپریالیسم امریکا و متحدینش همواره برای موجه جلوه دادن تجاوزات نظامی و غیر قانونی خود به کشورهای چون لبنان، فلسطین، یمن، بحرین و سوریه ...، جمهوری اسلامی را به عنوان مسبب این قیامهای ملی که ریشه در بی عدالتیهای ملی و بین المللی دارد معرفی می کند تا با مهندسی افکار عمومی دخالتهای نظامی خود در این کشورها را مشروعیت بخشند و سلطه سیاسی نظامی خود را موجه جلوه دهند. روشن است حمایتهای جمهوری اسلامی

از جنبش یمن و هر جنبش دیگری اهداف سیاسی و ایدئولوژیک مشخصی را دنبال می کند همانطور که حمایت‌های امریکا و اسرائیل و متحدینش از جنبشهای اعتراضی در برخی از کشورهای دیگر نیز دلایل خاص خود را به دنبال دارد. اما با چنین حمایت‌هایی از بیرون نمی توان ماهیت اجتماعی و عمیق و محقانه این جنبشها را در درون تعیین کرد. جنبش اعتراضی ۲۲ خرداد ۸۸ ایران نه امریکائی بود و نه اسرائیلی، اگر چه مورد حمایت تبلیغاتی و رسانه ئی این کشورها قرار گرفت و گرچه عمال انقلاب مخملی نیز سعی کردند برای کسب رهبری در آن نفوذ کنند. ولی این حمایت‌های بیرونی تعیین کننده ماهیت این جنبشها نیست. همانطور که جنبش فلسطین، لبنان و مقاومت سوریه و جنبش بحرین علی رغم موافقت جمهوری اسلامی با آنها، گماشته جمهوری اسلامی نبوده و نیستند، همانطور که کودتای ارتجاعی به ضد قذافی توسط مزدوران تروریست وارداتی که مورد حمایت بی چون چرای جمهوری اسلامی بود مترقی و انقلابی محسوب نمی شد. اینها جنبشهای سیاسی و استقلال طلبانه علیه نیروهای استعماری هستند و ربطی به حمایت و یا عدم حمایت بهانه ای به نام جمهوری اسلامی ندارند.

نباید فراموش کرد که دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تضادهای حاد کنونی در یمن و برآمد جنبش حوثی و کسب قدرت سیاسی در صنعا پایتخت این کشور را باید در تبعیض اجتماعی، در سیاست نئولیبرالی دیکته شده توسط صندوق بین المللی پول و دخالت های بیشرمانه و نفرت انگیز امریکا و عربستان در امور داخلی یمن جست و جو کرد. پیوستن مردم به نیروی حوثی نه بدواً به خاطر مسائل مذهبی، بلکه به دلیل موضع گیریهای سیاسی این جریان در مقابل امپریالیسم و عربستان بوده است که بر محبوبیت آن در بین بخش قابل توجهی از مردم افزوده است. مهمترین ثروت طبیعی یمن نفت است که از درآمد آن چیزی نصیب مردم نمی شود، همانطور که در ایران نیز نمی شود. یمن یکی از فقیرترین کشورهای شبه جزیره عربی است و بخش بزرگی از مردم در فقر مطلق و گرسنگی و عدم بهداشت و آموزش به سر می برند. بیکاری در این کشور بیش از ۴۰ درصد است و در بین جوانان بیش از ۵۰ درصد اختلافات طبقاتی غوغا می کند و فقر و مسکنت و بی نوائی و سرکوب و تحقیر، مردم را به طغیان واداشته است. انتقاد حوثی ها به حذف یارانه های سوخت که به زیان اکثریت زحمتکشان یمن تمام شد، مورد حمایت مردم قرار گرفت، مردمی که بسیاری از مسلمانان سنی را نیز شامل می شد. مقاومت حوثی ها در مقابل عربستان و بمبارانهای هوایی امریکا.... مجموعه دلایل سیاسی اجتماعی است که موجب برانگیختن حمایت‌های مردمی و محبوبیت معنوی نسبت به نیروی حوثی شده است.....

در عین حال این تجاوز آشکار که با فشار سیاسی و اقتصادی و تهدیدات عربستان سعودی بر بسیاری از کشورهای مسلمان و در عین حال اتحادیه اروپا برای کسب نظر آنها پدید آمد، حاکی است که عربستان سعودی در منطقه به استیصال دچار شده و مانند غریقی در حال مرگ به هر خس و خاشاکی چنگ می اندازد. این که این تجاوز با سکوت دبیرکل سازمان ملل متحد برگزار شد، نشان داد که هیچ سند، پیمان و منشوری در جهان از اعتبار برخوردار نیست، حتی اگر زیر آن را صدها کشور امضاء کرده باشند. تنها زور است که درجه اعتبار هر سند را تعیین می کند. اعتبار هر سند وابسته به پشتوانه نظامی و قهرآمیزی است که از آن سند می شود. سازمان تروریستی داعش حمایتش را از تجاوز عربستان سعودی اعلام کرد و ترکیه نیز که ثبات منطقه، منافع اقتصادی و نفوذ سیاسی اش را برهم می زند در کنار عربستان سعودی و داعش ایستاد. ولی این اقدام شتابزده عربستان سعودی، وضعیت انفجاری در منطقه ایجاد می کند و مسلماً عواقب غیر قابل پیش بینی در پی دارد.

حزب کار ایران (توفان) بمباران یمن توسط عربستان سعودی را قویاً محکوم می کند و آن را ناقض منشور سازمان ملل متحد و یک اقدام غیر قانونی و تجاوزکارانه محسوب می کند.

حزب ما لشکرکشی احتمالی زمینی و دخالت در امور داخلی یمن را محکوم می کند و بر این باور است که هرگونه تغییر و تحولی سیاسی در یمن وظیفه داخلی مردمان آن کشور است و نه اجانب. با فرسایشی شدن این حملات نظامی و اشغال این کشور مقاومت مردم نیز شدت خواهد گرفت و آن نیروئی که بازنده این جنگ خواهد بود، عربستان سعودی است که فاقد هرگونه پایگاه اجتماعی و محبوبیت در بین مردمان منطقه است.

دست امپریالیسم امریکا و متحدینش از یمن کوتاه!

حزب کارایران (توفان)

هشتم فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۴

www.toufan.org